

The Appropriate Actions of Civil and Justice Lawyers in the Defense of Criminals with Mental Disorders in the Legal Systems of Iran and Canada

Mohammadreza Emadi¹, Issa Amini^{2*}, Jalil Maliki², Mohammadreza Pirhadi²

1. PhD Student, Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.



Article Type:

Original Research

Pages: 39-75

Received: 2024 March 09

Revised: 2024 July 22

Accepted: 2024 August 11



Abstract

The defendants usually claim to be exempt from criminal responsibility while citing mental disorder at the time of the crime. In our country, only the basic lawyers of a judiciary are allowed to pursue judicial issues, and in Canada, due to the separation of the types of lawyers, even civil lawyers are able to support the accused. This research was conducted in an analytical-descriptive way and its purpose is to compare the appropriate support measures for defendants with mental disorders in the two legal systems of Iran and Canada. In Canada, the protection restrictions for defendants are much less than in Iran, and therefore, it is easier to pursue all the administrative-judicial issues of the defendant. Despite the fact that mental disorder at the moment of committing a crime is considered a factor in removing criminal responsibility and both Iranian and Canadian legal systems have accepted it, there is no acceptable proof procedure for this in Iran and it is practically possible to use Article 202 of the Criminal Procedure Code. Does not exist. In Canada, there are procedures for proving the mental disorder of bipolar disease with high confidence, and if it is confirmed by the forensic medicine, it is possible to easily remove the criminal liability of the accused.

Keywords: Will, Civil Advocacy, Legal Advocacy, Criminal Insanity, Canada

* Corresponding Author: E.Amini@iauctb.ac.ir

اقدامات مقتضی و کلای مدنی و دادگستری در دفاع از مجرمین دارای اختلال روانی، در نظام‌های حقوقی ایران و کانادا

محمد رضا عمادی^۱، عیسی امینی^{۲*}، جلیل مالکی^۲، محمدرضا پیرهادی^۲

۱. دانشجوی دکتری، حقوق خصوصی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



چکیده

متهمین معمولاً ضمن استناد به اختلال روانی در لحظه وقوع جرم، خواهان معافیت از مسئولیت کیفری می‌باشند. در کشور ما تنها وکلای پایه یک دادگستری مجاز به پیگیری مسائل قضائی بوده و در کشور کانادا، به سبب تفکیک اقسام وکالت، حتی وکلای مدنی توان حمایت از متهم را دارند. این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی انجام شده و هدف آن است که اقدامات مقتضی حمایتی از متهمین دارای اختلال روانی، در دو نظام حقوقی ایران و کانادا مورد قیاس قرار گیرد. در کشور کانادا محدودیت‌های حمایتی از متهمین بسیار کمتر از ایران بوده و لذا با سهولت بیشتر می‌توان پیگیری تمامی مسائل اداری-قضائی متهم بود. با وجود این که اختلال روانی در لحظه ارتکاب جرم، عامل رفع مسئولیت کیفری تلقی شده و هر دو نظام حقوقی ایران و کانادا آن را پذیرفته‌اند، در ایران رویه اثبات قابل قبولی برای این مهم وجود نداشته و عملاً امکان استفاده از ماده ۲۰۲ آئین دادرسی کیفری وجود ندارد. در کشور کانادا، مراحل اداره اثبات اختلال روانی بیماری دوقطبی با اطمینان بالا، وجود داشته و در صورت تأیید پزشکی قانونی، می‌توان به سهولت نسبت به رفع مسئولیت کیفری متهم اقدام نمود.

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۳۹-۷۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۱



واژگان کلیدی: اراده، وکالت مدنی، وکالت دادگستری، مجرم فاقد عقل، کانادا



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

درآمد

تفاوت اصلی انسان با حیوان، در برخورداری از «قوه عقل» می‌باشد. ازاین‌رو حکومت‌ها سعی داشته که با وضع مجازات برای افعال ممنوعه، افراد را به تعقل در این مورد واداشته که از ترس مجازات، مرتکب آن اقدامات نشوند. پرواضح است که افرادی که فاقد قوه عقل می‌باشند، از مجازات عبرت نگرفته و تحت هر شرایط مجدد مرتکب آن می‌گردند. لذا حسب نظریات حقوق دانان برجسته حقوق جزا و جرم‌شناسی، مجازات بی‌اثر بر افراد فاقد عقل لغو شده و در عوض الزام به افاقه برای آنان تعیین خواهد شد. ممکن است اشخاصی مجنون نبوده و لذا به سبب هرگونه مشکل روحی، ناخواسته مرتکب جرم شوند (خالقی و رجب، ۱۳۹۲: ۱۳۰). در این خصوص ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی تصریح کرده که «هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد.» اما این مورد جنبه ماهوی موضوع بوده و اگر از نظر شکلی (مسائل اداری امورات دادگستری، کلاً جنبه شکلی امور قضائی محسوب می‌گردد) به قضیه نگریسته شود، در عمل امکان چنین وضعیتی وجود نداشته و از جهت حمایت از حقوق بزه‌دیده و تنها به صرف ارتکاب افعال نوعاً مجرمانه، مجازات بر مجرمی که مدعی اختلال روانی در لحظه وقوع جرم بوده اعمال خواهد شد. *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

در کشور ما، تنها وکلای پایه یک دادگستری حق ورود به پرونده‌هایی را داشته که در حیطه صلاحیت دادگاه کیفری یک قرار دارند. از این رو دسترسی به حمایت‌های قانونی با مشکلاتی مواجه خواهد بود. در کشور کانادا، وکلای مدنی تحت شرایط خاص، قادر به پیگیری این امورات بوده و لذا حق حمایت قانونی را با سهولت بیشتر مواجه می‌نماید. لذا حمایت از این نوع متهمین به یک چالش اداری-قضائی مبدل گردیده است.

الف: پیشینه پژوهش

پژوهی و همکاران (۱۴۰۱) چنین بیان داشتند که در ادبیات حقوق اداری- قضائی کشور، موانع تحقق جرم وجود نداشته و از این جهت امکان استفاده از ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی وجود ندارد. عسگری و همکاران (۱۴۰۱) نیز به تناقضات مقررات اداری اشاره داشت که در نهایت موجب بی‌اعتباری مواد قانونی خواهد شد.

دیاز^۱ (۲۰۲۰) به امکانات فنی لازم برای شناخت بیماری «اختلال شخصیتی وسواسی» در لحظه ارتکاب جرم اشاره شد. کلاگ^۲ و رید^۳ (۲۰۲۳) بیان داشته شد که برای عدم مجازات متهمین مدعی زوال عقل، زوال قوه تمییز در لحظه ارتکاب جرم، می‌بایست به اراده متصل باشد.

سیسون^۴ و همکاران (۲۰۲۳) لزوم تسهیل حمایت از متهمین دارای اختلال روانی را بیان کردند. آلموند^۵ و همکاران (۲۰۲۳) به وجود معیار قابل اعتماد برای تشخیص اختلال روانی تاکید کردند. گاتنر^۶ و همکاران (۲۰۲۳) تفکیک وکالت به اقسام مختلف را نکوهیده و آن را صحیح ندانستند. ویتیهیت^۷ (۲۰۲۳) وکالت تخصصی را عاملی برای ایجاد فساد دانست. هارتویگسون^۸ (۲۰۲۳) وکالت اداری ساده و البته قانونی را راهکاری مناسب برای پیشبرد اهداف عدالت قضائی دانست. پیرین^۹ (۲۰۲۳) لزوم تخصص عالی وکلای را برای پرونده های کیفری سنگین توصیه نمود.

1. Diaz
2. Clough
3. Reed
4. Simpson
5. Almond
6. Gatner
7. Whitehead
8. Hartvigsson
9. Perrin

مالولای^۱ و همکاران (۲۰۲۳) اختلال روانی را تنها در انگلستان عامل رفع مسئولیت کیفری دانستند. مارینوس^۲ و همکاران (۲۰۲۳) نظام حقوقی کانادا را پیشرو و پیشگام عدالت کیفری دانستند.

ریچاردلی^۳ و همکاران (۲۰۲۴) به نظام حقوقی کشورهای شرقی انتقاد وارد نمود و آن را عاملی در جهت عدم استفاده صحیح از قانون دانستند. جفیری^۴ و همکاران (۲۰۲۴) لزوم الگوگیری نظام های حقوقی شرقی از غربی را توصیه نمودند.

ب: سوالات و فرضیه ها

سؤال پژوهش این که چالش وکلای دادگستری و مشاورین حقوقی از جهت حمایت از متهمین دارای اختلال روانی، در دو کشور ایران و کانادا چیست؟
به نظر می رسد که نظام اداری-قضائی کانادا نیاز به وجود ادله محکمه پسند را بیشتر احساس کرده و با وجود کامن لایی بودن، رویه اداری آن را تبیین کرده تا خطا در تشخیص این وضعیت به حداقل رسد؛ در حالی که هیچ یک از این اقدامات در کشور ما انجام نشده است. در عین حال تفکیک اقسام وکالت در کشور کانادا، موجب سهولت در رسیدگی های قضائی می گردد.

ت: ساختار پژوهش

ابتدا سازوکار وکالت ها در دو نظام حقوقی ایران و کانادا معرفی گردید.
ثانیا بیماران دارای اختلال روانی و ادعاهای مرتبط بدان معرفی شد.
ثالثا تشریفات رسیدگی در دو نظام حقوقی ایران و کانادا بررسی شد.

1. Mullally
2. Marinos
3. Ricciardelli
4. Jafari

رابعا قیاس مابین رویه دو نظام حقوقی ایران و کانادا انجام شد. در نهایت نتیجه‌گیری انجام شده و زمینه برای ارائه پیشنهادها ارائه گردید.

پ: روش شناسی پژوهش

در این پژوهش، با اتخاذ روش استدلالی و تحلیل توصیفی و با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و نیز با مطالعه متون فقهی و مقایسه آن با دیدگاه‌های علمای حقوق و مدنظر قرار دادن مواد قانون و آراء و تطبیق آن با اسناد بین‌المللی به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و با توصیف و تجزیه و تحلیل آن‌ها به نتیجه‌گیری ابعاد مختلف موضوع پژوهش پرداخته شده است. روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای اسنادی، و روش گردآوری اطلاعات با استفاده از کتب، مجلات و نوشتارهای سایت‌های حقوقی و جمع‌آوری و بررسی آن‌ها و ابزار گردآوری اطلاعات از طریق فیش‌های مطالعاتی و کسب نظر اساتید دانشگاهی و عندالاقضاء حوزوی و نیز مراجع دخیل در امور فقهی و حقوقی می‌باشد، همچنین روش تجزیه و تحلیل و بررسی، به صورت تحلیلی توصیفی است.

۱- سازوکار وکالت در نظام قضائی کانادا

در کشور کانادا همانند کشور ما، کانون وکلای دادگستری وجود داشته و فارغ‌التحصیلان رشته حقوق پس از گذراندن آزمون و دوره‌های خاص، موفق به اخذ پروانه وکالت دادگستری می‌گردند. در عین حال وکالت مدنی نیز به مانند کشور ما وجود دارد. ذیلاً به بحث تفصیلی در این خصوص بیشتر پرداخته شده است.

۱-۱- وکالت تخصصی

برخلاف کشور ما که دارنده پروانه وکالت به صورت عمومی قادر به اخذ پرونده‌های متنوع حقوقی می‌باشد، در کشور کانادا سه نوع وکالت ۱- مدنی - حقوقی، ۲- کیفری و

۳- عمومی وجود دارد. وکالت‌های مدنی- حقوقی و کیفری، همان‌طور که از نام آن‌ها پیداست، در پرونده‌های حقوقی و کیفری کاربرد دارد. هر وکیل تنها دارای یک تخصص بوده که بسته به گرایش وی در دوران تحصیل و شرکت در آزمون مرتبط تعیین می‌گردد (مارتین^۱، ۲۰۱۸: ۱۵).

وکالت با تخصص عمومی به فعالیت در مسائل حقوق عمومی نظیر امورات دیوان عدالت شکلی قضائی، وکالت در دادگاه قانون اساسی، وکالت سیاست‌مداران در دادگاه حقوق عمومی و در نهایت امورات شکلی قضائی می‌پردازد (مارتین، ۲۰۱۸: ۱۵). نکته قابل توجه این‌که در کانادا دادگاه حقوق عمومی وجود داشته که دارای دو صلاحیت است. صلاحیت اول رسیدگی به دعاوی حقوق اساسی که ارگان‌ها علیه یکدیگر اقامه می‌نمایند، صلاحیت دوم رسیدگی به شکایات شکلی قضائی شهروندان از سازمان‌های دولتی (پرمار^۲، ۲۰۱۹: ۱۴۲).

پیگیری هر نوع امر شکلی قضائی توسط نماینده در دو حالت ممکن است. در صورت انتخاب وکیل مدنی (به معنای هر شخص دیگر خارج از نظام وکالت دادگستری) مطابق شرایط مذکور عمل شده و از تکرار مکررات پرهیز می‌گردد. وکلای دادگستری با تخصص‌های کیفری و مدنی-حقوقی تنها به‌مانند وکیل مدنی حق انتصاب دارند، با این تفاوت که اهلیت شخص وکیل نیاز به تأیید توسط سازمان ندارد و این در حالی است که اشخاص عادی برای انتصاب به‌عنوان وکیل مدنی در امور شکلی قضائی نیازمند تأیید توسط سازمان می‌باشند. از این‌رو تخصص آن‌ها اثر قابل توجهی بر فعالیت آن‌ها نخواهد داشت (لادو^۳ و راملت^۴، ۲۰۲۱: ۳۵). اما وکیل با تخصص عمومی به‌صورت عام در این خصوص صلاحیت داشته و بدون نیاز به تأیید، در قالب خاص کانون وکلای محل اقامت

-
1. MARTIN
 2. PARMAR
 3. LADO
 4. RUMELT

خوانده، و یا قالب خاص سازمان مدنظر، اختیارات لازم برای پیگیری امورات شکلی قضائی موکل را اخذ کرده و حتی پس از مرگ موکل نیز قرارداد به صحت و قوت خود باقی خواهد ماند (هرناندز، ۲۰۲۰: ۱۳۰). باین حال برای انجام برخی امورات ماهوی شکلی قضائی نظیر انتقال مالکیت و برداشت از حساب، می بایست وکالت نامه رسمی به صورت جداگانه در دفتر اسناد رسمی تنظیم شود که پس از مرگ موکل قابل ابطال است.

۲-۱- تحدید مسؤلیت در کانون وکلا

به موجب اصول قانون مدنی کانادا (اصلاح شده در سال ۲۰۲۰) وکیل دادگستری در حیطه عمومی که برای امورات شکلی قضائی قرارداد منعقد نموده، حق انجام تمامی امورات شکلی قضائی را دارد. در صورتی که اقدامات وی متضمن تغییرات ماهوی در حقوق و مالکیت موکل باشد، وی می بایست به نوعی عمل کرده که حقوق موکل مخدوش نشده و در عین حال از این جهت ذی نفعی جز دستمزد خود نداشته باشد (هوین^۲ و کیت^۳، ۲۰۲۰: ۱۹).

حسب آخرین تفسیر از این مواد حقوقی که در سال ۲۰۲۱ توسط دادگاه عالی این کشور ارائه شد، قرارداد وکالت برای انجام امور شکلی قضائی، اگر اختیاراتی فراتر از قانون مدنی به موکل داده باشد نافذ نخواهد بود (گرشنگرن^۴، ۲۰۲۰: ۲۵).

بر این اساس وکیل دادگستری با تخصص عمومی در انجام تمامی امورات شکلی قضائی موکل صلاحیت دارد. اگر قرار بر دریافت مالی باشد می بایست آن را به نام موکل انتقال دهد و خود تنها از نظر شکلی پیگیری امورات را انجام خواهد داد

1. HERNANDEZ
2. HEAVIN
3. KEET
4. GERSHENGOREN

(برمینگام،^۱ ۲۰۲۱: ۱۴۲).

در صورتی که وکالت در مرکز وکلا تنظیم شده باشد، از نوع صلاحیت عام شکلی قضائی بوده و تمامی جریانات آن پس از فوت موکل به قوت خود باقی خواهد ماند. در صورتی که قرارداد در واحد حقوقی سازمان نگاشته شده باشد و برخی محدودیت‌ها برای اختیارات وکیل ذکر شده باشد، معمولاً پس از مرگ موکل اختلافاتی در این خصوص مابین وکیل و سازمان حاصل خواهد شد. در مسائل شکلی با مراجعه به فرمانداری و در مسائل ماهوی ضمن مراجعه به دادگستری، اختلاف حل خواهد شد. در عین حال وکالت مدنی پس از فوت موکل به طور کلی باطل خواهد شد (شوبل^۲، ۲۰۱۹: ۱۰۰).

بنابراین یکی از خصیصه‌های وکیل دادگستری با تخصص عمومی، آن است که پس از مرگ موکل مجاز به پیگیری امور ناتمام شکلی قضائی خواهد بود. وکلای مدنی از این حق برخوردار نمی‌باشند. در عین حال حق انجام امر شکلی قضائی جدید برای وکیل شکلی قضائی لحاظ نشده و این مهم تنها محدودیت وی پس از فوت موکل خواهد بود.

۳-۱- اختیارات نانوشته در وکالت دادگستری

چنانچه اشاره شد، وکلای دادگستری عمومی در کاناذا از اختیاراتی برخوردار بوده که نیاز به صراحت ندارد. اختیارات شکلی قضائی آن‌ها عام بوده و نیاز به ذکر مستقیم نمی‌باشد. باین حال ممکن است برخی اختیارات توسط خود سازمان محدود شده که این مهم در جریان تنظیم عقد در واحد حقوقی سازمان ممکن است. لذا سازمان‌ها حق سلب اختیار وکیل در مراجعه به دیگر سازمان‌ها را نداشته و تنها در خصوص مسائل شکلی و ماهوی خود سازمان، تحدید مسئولیت می‌نمایند (سالیزین^۳ و سیمونز^۴، ۲۰۲۱:

1. Bermingham
2. SCHWÖBEL
2. SALYZYN
3. SIMONS

۲۰). از این رو سازمان‌ها اختیار دخالت در قراردادهای وکالت که از مسائل حقوق خصوصی می‌باشد را دارند. این مهم در ادبیات حقوق عمومی کشورها بسیار مورد توجه قرار گرفته که دولت تا چه حد حق دخالت در قرارداد خصوصی بین افراد را دارد. در کشور ما قرارداد کار نمونه بارز دخالت دولت در قرارداد خصوصی می‌باشد. باین حال اختیارات ادارات به محدودیت اختیارات وکیل شکلی قضائی در هیچ جای دنیا به مانند کانادا ممکن نخواهد بود.

این مهم در جریان وکالت مدنی به نحوی شدیدتر ملحوظ است. قالب قرارداد وکالت مدنی برای امورات شکلی قضائی به طور کامل توسط سازمان تهیه و تنظیم شده و می‌بایست ثبت رسمی شود. باین حال نکته قابل توجه این‌که در وکالت مدنی برای امور شکلی قضائی، هیچ حقی خارج از اختیارات تعیینی وکیل متصور نیست و اصل بر اصل اختیارات مذکور است. اما در وکالت دادگستری با تخصص عمومی، اختیارات عام همواره به صورت نانوشته متصور است (اسمیت^۱ و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۲۰).

۲- ادعای اختلال روانی متهمین باهدف معافیت از مسئولیت کیفری

در خصوص اکثر متهمینی که جرائم سنگینی مرتکب شده اند، ادعای فقدان عقل، به کرات مشهود است. در کشور ما، تنها وکلای دادگستری حق پیگیری های قضائی این مورد را داشته و وکلای مدنی حق رسیدگی به امورات اداری وی را دارند. در صورت لزوم قییم برای وی تعیین می‌گردد (انصاری و دهقانی، ۱۳۹۶: ۱۱۵).

در کانادا، بدون نیاز به قییم، وکلای عمومی دادگستری حق رسیدگی به امورات اداری متهم را داشته و در عین حال وکلای دادگستری بدون توجه به تفکیک، حق دفاع از متهم را دارند. یکی از مهم ترین بیماری های روانی که اخیرا برای رفع مسئولیت کیفری

مشهود بوده، بیماری دوقطبی می باشد (بویرا^۱ و نیکول^۲، ۲۰۲۴: ۸۸).
اختلال دوقطبی یا افسردگی شیدایی نوعی اختلال خلقی و بیماری روانی است. افراد مبتلا به این بیماری دچار تغییرات شدید رفتاری می شوند. شروع بیماری معمولاً با دوره‌ای از افسردگی همراه بوده و پس از یک یا چند دوره از افسردگی، دوره شیدایی بارز می شود. در تعداد کم‌تری از بیماران شروع بیماری با دوره شیدایی یا نیمه‌شیدایی است (بیجو^۳ و شریوانتاوا^۴، ۲۰۲۰: ۵۲).

با وجود این‌که «مانیا» و «هیپومانیا» تشخیص اختلال دوقطبی را نشان می دهد، در بیشتر موارد در اثنای بیماری افسردگی هم رخ می دهد. در واقع، افراد دارای اختلال دوقطبی معمولاً بیشتر مواقع را در حالت افسردگی به سر می برند تا شیدایی. افسردگی نوعی حالت خلقی ناتوان‌کننده است، تشخیص افسردگی در افراد دوقطبی با دیگر افراد تفاوتی ندارد و براساس نشانگان یکسانی است که شامل موارد ذیل است: خلق افسرده، فقدان احساس لذت، احساس بی‌ارزشی با گناه شدید، تغییر در اشتها و وزن، تغییر در الگوی خواب، خستگی، تمرکز مختل، افکار یا رفتار خودکشی (اگرازل^۵ و مورل^۶، ۲۰۲۱: ۱۴).

۲-۱- زوال عقل و هوش

در هر دو نظام حقوقی ایران و کانادا، وکلای دادگستری در دفاع از متهمین، به شرطی موفق خواهند بود که ادعای اختلال روانی را با این استناد ذکر نمایند که موجب زوال هوش گردیده است. در کانادا، وکلای مدنی در مسیر امورات اداری، حق ارسال لایحه با این مضمون را دارند. این در حالی است که در کشور ما تنها وکلای دادگستری، حق

1. Boyer
2. Nicholls
3. Bijju
4. Shrivastava
5. Grajzl
6. Murrell

پیگیری این قبیل اقدامات قضائی را دارند. درکانادا ارسال لوایح، جزئی از امورات اداری محسوب می‌گردد (کیوانی فرو و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۷).

چنین اثبات شده که بیماری دوقطبی هیچ‌گاه موجب ورود خدشه به عقل و قوه تمیز نشده، لیکن هوش بیمار ممکن است زایل شود. بدین معنا که ناگهان در دنیایی دیگر قرار گرفته و این مهم با خواب شباهت فراوان دارد. پس از بازگشت به حالت عادی ممکن است این برهه را به خاطر بیاورد یا خیر. بنابراین قوه عقل به سبب از بین رفتن هوش خاموش شده و به اصل قوه عقل خدش‌های وارد نمی‌گردد (هلنس، ۲۰۲۱: ۵).

در کشور ما، رویه اداری اثبات این وضعیت، تنها پزشکی قانونی بوده که وکیل دادگستری حق پیگیری آن را دارد. درکانادا هر نوع وکیلی حق پیگیری امورات اداری را داشته باشد، به این مسئله رسیدگی نموده و مراحل پرپیچ و خم اثبات این بیماری را طی می‌نماید.

۲-۲- زوال اراده

باتوجه به موارد مذکور در بند پیشین، اگر هوش بیمار در لحظه اراده زایل شده باشد، فعل مادی را می‌توان غیرارادی دانست. از نظر علمی این وضعیت ممکن و متصور است (هلنس، ۲۰۲۱: ۵). بنابراین به فرض این‌که تصمیم در لحظه سلامت عقلی اتخاذ شده باشد و ارتکاب فعل مادی در لحظه ورود به دنیای دیگر حادث شده باشد، اراده متصور نیست (محمدی، ۱۳۹۵: ۷۷).

از نظر ماهوی، این مهم در دو نظام حقوقی ایران و کانادا مشترک است و اگر بتوان زوال اراده به واسطه اختلال روانی را به اثبات رساند، متهم از مسئولیت مبرا خواهد شد. اما از حیث اداری، معیار اثبات آن متفاوت بوده و اشخاص صالح به رسیدگی نیز در دو نظام مورد مطالعه، متفاوت می‌باشند.

۳-۲- زوال اختیار

فقدان اختیار به معنای نبود قدرت انتخاب بین دو یا چند گزینه می باشد. هرچند که «اراده» با «اختیار» دارای برخی وجوه مشترک می باشند، اما این دو تأسیس از یکدیگر تفکیک شده اند (غلامی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۰). در کشور ما فقدان اختیار جزء عوامل رافعییت از مسئولیت کیفری، و در انگلستان جزئی از عوامل موجه جرم می باشد (محمدحسینی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۳).

حسب تحقیقات روان شناسی، بیماری های روانی دوقطبی، روان گسیختگی، و پدوفیلیا در وقت لزوم ممکن است گزینه های دیگر انتخاب را از ذهن افراد دور نمایند. در این وضعیت بیمار گرفتار به صورت مقطعی، گزینه دیگری را به خاطر نیاورده و تنها در مقابل یک گزینه قرار دارد. لذا به میل و اراده همان را برمیگزیند. این مسئله عمدتاً در دفاع مشروع و شرایط وجود ترس غالب می گردد (توماس^۱، ۲۰۲۲: ۵۵).

۳- تشریفات اداری-قضائی

مسئله بارز در حقوق اداری-قضائی کشور در بخش کیفری، آن است که عملاً تأسیس «موانع تحقق جرم» وجود نداشته و وقوع هر جرم مستلزم ورود دادسرا به مسئله می باشد. بنابراین ادعای اختلال روانی در لحظه ارتکاب جرم، از حیث شکلی و ماهوی مورد بررسی قرار گرفته که تناقضاتی در این حیث مشهود خواهد بود (آقایی نیا، ۱۳۹۵: ۸۸).

نظام حقوقی کشور کانادا از نوع کامن لایی بوده و قواعد عرفی برای این کشور حاکم است. با این حال پایبندی به قانون در این کشور، به نسبت دیگر کشورهای کامن لایی بیشتر مشهود است (دیاز، ۲۰۲۰: ۴۴). به نظر می رسد که دولت کانادا جهت افزایش

1. Thomas

التزام به قانون، در حیطة مسائل ادارى سعى در نوشته شدن مقررات جديد دارد (هوپسون، ۲۰۲۰: ۱۱). در خصوص نظام ادارى قضائى رسيدگى به جرائم، كانادا رويه مناسبى پيش گرفته كه در عين انعطاف، در چارچوب قانون قرار داشته و به حقوق بزهكار و بزه ديده، به صورت متوازن نگرسته شده است.

۱-۳- مواد قانونى بدون استفاده در ايران

به موجب ماده ۲۰۲ آئين دادرسى كيفرى هرگاه بازپرس در جريان تحقيقات احتمال دهد متهم هنگام ارتكاب جرم مجنون بوده است، تحقيقات لازم را از نزديكان او و ساير مطلعان به عمل مى آورد، نظريه پزشكى قانونى را تحصيل مى كند و با احراز جنون، پرونده را با صدور قرار موقوفى تعقيب نزد دادستان مى فرستد. در صورت موافقت دادستان با نظر بازپرس، چنانچه جنون استمرار داشته باشد شخص مجنون بنا بر ضرورت، حسب دستور دادستان به مراكز مخصوص نگهدارى و درمان سازمان بهزيستى و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشكى منتقل مى شود. مراكز مذكور مكلف به پذيرش مى باشند و در صورت امتناع از اجراى دستور دادستان، به مجازات امتناع از دستور مقام قضائى مطابق قانون مجازات اسلامى محكوم مى شوند (بيگلر، ۱۳۹۶: ۱۸).

در نگاه اول به اين ماده حقوقى، مى توان چنين بيان داشت كه «موانع تحقق جرم» با وجود عدم جاىگاه در نظام ادارى-قضائى كشورمان، در اين مورد اخص داراى جاىگاه است. اگر به تفسير موسع اين ماده، به خصوص تبصره دوم آن پرداخته شود، در اين استثناء بازهم تبصره اى قرار داده شده است. مى بايست به اين نكته توجه نمود كه در كشور ما به مانند ديگر كشورها، جرائم دسته بندى شده و دسته بندى به چهار دسته ۱-ديه، ۲-قصاص، ۳-حد و ۴-تعزير در ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامى، تصريح يافته است. از آنجا كه براى مجانينى كه مرتكب قتل يا نقص عضو ديگرى شوند، مجازات قصاص

وجود نداشته و به دیه تبدیل می‌گردد، لذا می‌توان شمول تبصره دوم ماده ۲۰۲ آئین دادرسی کیفری را جرائم مستوجب حد و قصاص دانست که به سبب تبدیل قصاص به دیه برای مجانین، این مورد در تبصره مذکور ذکر نگردیده است (آقایی نیا، ۱۳۹۵: ۹۵).

در تبصره اول این ماده بیان شده که آئین نامه این مورد می‌بایست با همکاری وزارت خانه‌های دادگستری و بهداشت و درمان تهیه شود که تاکنون محقق نیافته است. در تبصره دوم نیز بیان شده که در جرائم مستوجب دیه مطابق مقررات مذکور رفتار خواهد شد، به سبب تبدیل قصاص به دیه برای افراد دارای اختلال روانی، در عمل موانع تحقق جرم در ادبیات حقوق اداری - قضائی کشور وجود ندارد (شیروی و رستمیان، ۱۳۹۰: ۵۵).

تنها در جرائم مستوجب تعزیر، می‌توان وجود این تأسیس را صحیح دانست و در خصوص دیگر جرائم غیرتعزیری من جمله قتل که بارزترین جرم ارتكابی توسط افراد دارای اختلال روانی می‌باشد، به سبب این تناقض حقوقی، امکان اعمال موانع تحقق جرم وجود نخواهد داشت.

۲-۳- رسیدگی بدوی در ایران

نظام قضائی در نوع خود دارای سیستم اداری خاصی بوده که از ماهیت قضائی آن نشأت می‌گیرد. باتوجه به اینکه نظام اداری با مسائل اجرایی پیوندی عمیق دارد، قوه مجریه به‌عنوان رأس نظام اداری کشور محسوب شده و استانداران نیز در سطح استان، مدیران عالی اداری محسوب می‌شوند. هرچند که قوه قضائیه از نظر اداری و مدیریتی مستقل از قوه مجریه است، اما این قوه نیز نیاز به قوه محرکه داشته و در حیطه امورات خود، با مسائل اجرایی - اداری سروکار دارد (موسی زاده، ۱۳۹۸: ۳۳).

رسیدگی به تمامی جرائم از دادسرا آغاز می‌شود و پس از طی مراحل تحقیقات اولیه، پرونده برای صدور رأی به شعبه کیفری دادگاه ارسال می‌شود.

به‌طور کلی براساس مفاد آئین دادرسی کیفری ارتكاب جرم با شکایت شاکی

خصوصی، اطلاع دادستان از موضوع، گزارش‌های ضابطین دادگستری و دیگر مقامات مسئول به دادسرا اعلام شده و در صورت کفایت ادله اتهام، متهم فراخوانی شده و حسب میزان جرم، برای آن قرار تأمین صادر می‌شود (بابایی مهر، ۱۴۰۰: ۳۴). دادسرا به کمک ضابطین، آغاز به تحقیقات کرده و سعی در جمع‌آوری و تکمیل ادله اثبات جرم داشته که در ادامه از آن برای اثبات مجرمیت استفاده شده و در آئین دادرسی کیفری نیز صراحتاً ذکر شده است. با تجمیع ادله، دادستان خود در مقام شاکی قرار گرفته و پرونده را برای صدور حکم به دادگاه می‌فرستد. در نهایت بر همین مبنا، حکم صادر شده و جریان فرجام‌خواهی آن نیز طی می‌گردد. دادسرا نیز مسئول اجرای احکام کیفری بوده و پس از صدور رأی، مستقیماً برای اجرا اقدام خواهد نمود.

دادسرا در صورتی به قضیه ورود کرده که مستندات اولیه از وقوع جرم در دسترس باشد. تشخیص کفایت مستندات اولیه برعهده مقام قضائی (حسب نیاز دادیار، بازپرس یا دادستان) می‌باشد. بنابراین دادسرا به جریان تحقیقات ورود کرده و بسته به نوع جرم، قرار تأمین برای مرتکب مشخص می‌نماید. به موجب ماده ۲۱۷ آئین دادرسی کیفری، به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، قرار مقتضی را صادر می‌نماید.

چنانچه مشخص است، قانون‌گذار با ذکر عنوان «مجرمیت» و مستندات اولیه آن، اقدام به صدور تأمین می‌نماید (استواری، ۱۴۰۰: ۱۲۱).

بنابراین در وضعیتی که مجرمیت وجود داشته و لیکن از مجازات معاف است، دادسرا بدون در نظر گرفتن مجازات/عدم مجازات وی، رفتار یکسانی خواهد داشت. البته نوع مجازات احتمالی در جریان تعیین نوع تأمین نقش دارد، لیکن در اصل صدور قرار تأمین، بین مجرم/غیرمجرم تفاوت وجود دارد. اگر فعل/ترک فعل ارتكابی به موجب قانون جرم تلقی نشود، دادسرا به هیچ وجه به جریان ورود نکرده و در نهایت به عنوان شاهد و

مطلع از فرد مورد نظر بازجوئی به عمل خواهد آورد. در صورتی که نیاز به حضور این فرد در دادگاه احساس شود، تأمیناتی نسبتاً ساده برای وی لحاظ می‌گردد. بنابراین انتساب مجرمیت در جریان تأمین از وی نقشی مهم دارد.

۳-۳- نوآوری اداری-قضائی در کانادا

چنانچه بیان شد، مسئله اختلال روانی در حین ارتکاب جرم، برای نظام‌های قضائی یک چالش همیشگی محسوب می‌گردد. در کشورهای با نظام حقوق نوشته که در خصوص ادله اثبات و محدودیت علم قاضی سخت‌گیری دارند، معمولاً عدم اجرای مجازات بر متهمی که ادعای اختلال روانی در لحظه وقوع جرم داشته، با چالش‌های فراوانی مواجه بوده که عمدتاً در حیطه مسائل شکلی دادرسی کیفری می‌باشد (یاوری و مهرآرام، ۱۳۹۷: ۲۶۵).

در کشورهای با نظام حقوق کامن‌لا، احترام به علم قاضی بیشتر مشهود بوده ولو ممکن است حقوق بزه‌دیده زیرپا نهاده شود و بر این اساس ادعای بی‌اساس اختلال روانی در لحظه وقوع جرم پذیرفته شود (نوبهار و خط‌شب، ۱۳۹۶: ۹۲).

نظام حقوق اداری-قضائی کشور کانادا، در این خصوص رویه جالبی در پیش گرفت و طی یک دهه، به چهار بیماری روانی که می‌تواند موجب عدم اجرای مجازات شود، رویه اداری بخشیده است. طی مشورت روان‌شناسان و حقوق دانان این کشور در شورای عالی قضائی که بالاترین مرجع قضائی این کشور قرار داشته و به صورت تشریفاتی زیر نظر فرماندار کل اداره می‌گردد، آئین‌نامه این حوزه تهیه شده و به پزشکی قانونی و همچنین دادگستری ابلاغ شده و گزارش‌هایی تهیه شده بر این مبنا، حکم سند رسمی دارند (جونز، ۲۰۲۰: ۱۰). در واقع قوه مقننه دخالتی در وضع این قوانین نداشته و با اختیارات شورای عالی قضائی این کشور، به این مهم رسمیت بخشیده شده که البته

در چارچوب عرف اداری-قضائی قرار داشته و تأییدکننده اصل استقلال قضائی کشور کانادا محسوب می‌گردد (کویل^۱، ۲۰۲۰: ۱۵) در خصوص دیگر مصادیق حقوقی، حتی در بخش مدنی نیز این ابتکار قوه قضائیه کانادا مشهود بوده که جهت اطلاع کلام از آن گذر شده است.

بیماری دو قطعی و رویه شدن آن جهت رفع مسئولیت کیفری، نوآوری مهم نظام کامن لایی کانادا محسوب می‌گردد. مجرمی که ادعای فقدان عقل دارد، از طرف دادگاه یا دادسرا تحویل پزشکی قانونی داده شده و با نظارت نامحسوس، موارد ذیل در طول سه روز رصد خواهد شد: (ناصر^۲ و همکاران، ۲۰۲۱: ۴۴).

- ✓ اعتماد به نفس بیش از حد یا بزرگ‌نمایی، شامل باورهای غیرمنطقی نسبت به توانایی و قدرت خود بدین وسیله تست شده که مار بدون نیش به اتاق بازداشت فرستاده شده و واکنش مجرم نسبت به آن سنجیده می‌شود.
- ✓ کاهش نیاز به خواب یکی از نشانه‌های این بیماری بوده و میزان خواب وی رصد می‌گردد.
- ✓ پرحرفی غیرعادی یا نیاز به صحبت دیگر نشانه این بیماری بوده و در طول روز، یک ساعت از وی بازجوئی می‌گردد.
- ✓ با سپردن کاغذ و قلم از وی خواسته شده که رؤیاهای وی ثبت گردد.
- ✓ با ایجاد صداهای مختلف، حواس پرتی وی رصد خواهد شد.
- ✓ بی‌قراری روانی - حرکتی رصد می‌گردد.
- ✓ عروسک جنسی در محل قرار داده شده و تمایلات جنسی وی بررسی می‌گردد.
- ✓ در استحمام، خودارضایی وی رصد می‌گردد.

در پایان روز سوم، گزارش افسر مربوطه تأییدکننده دو حالت ۱- احتمال بیماری

1. Kayll

2. Naeem

و ۲- بدون احتمال بیماری می باشد. در حالت دوم، شخص سالم دانسته شده و برای ادامه مراحل قانونی به نظام قضائی تحویل داده می شود. اما پس از اعلام حالت نخست، مرحله سه روزه بعدی به شرح ذیل آغاز خواهد شد: (کمالی^۱، ۲۰۲۲: ۵۰۰).

✓ ناراحتی، اضطراب یا احساس پوچی با مصاحبه تعیین می گردد.

✓ بی میلی و بی انگیزگی متهم از زندگی بررسی می شود.

✓ وزن وی مرتب اندازه گیری می گردد.

✓ با تست ورزش، میزان خستگی متهم بررسی می گردد.

✓ در جرائمی که به حقوق دیگران آسیب رسیده، میزان پشیمانی وی رصد می گردد.

✓ تمرکز حواس وی بررسی می گردد.

✓ با فرار دادن سلاح دارای گلوله بی اثر، تمایل به خوگشی رصد می گردد.

در پایان مرحله دوم، به مانند مرحله اول عمل شده و در صورت احتمال مجدد، مرحله سوم به شرح ذیل آغاز می گردد: (جونز، ۲۰۲۲: ۲۴۵)

در این مرحله غذا و مواد الکلی در اختیار متهم قرار داده شده و اعمال وی به مدت ۲۴ ساعت بررسی می گردد. در پایان روز میزان سوء مصرف وی بررسی و نظر قطعی در این خصوص اعلام خواهد شد (مک لاین^۲ و همکاران، ۲۰۲۲: ۵).

در مرحله پایانی، رژیم غذایی به مدت سه روز اعمال شده و فشار عصبی نیز رصد می گردد. رژیم شامل موارد ذیل است: (محمود^۳ و همکاران، ۲۰۲۱: ۴۴).

امگا ۳ در وقت نهار داده می شود. مطالعات متعدد نشان داده است که اسیدهای چرب امگا ۳ مانند انواعی که در ماهی و مکمل های روغن ماهی یافت می شوند، می توانند به کاهش احساس افسردگی در بیماران دوقطبی کمک کنند.

منیزیم در عصر داده می شود. منیزیم موجود در غلات کامل، لوبیاهای سبزی ها با

-
1. Kamali
 2. McLaughlin
 3. Mehmood

برگ تیره مانند اسفناج اثری مشابه لیتیوم، رایج‌ترین داروی دوقطبی دارد.

مینیزیم ماده معدنی است که پزشکان به بیماران دوقطبی توصیه می‌کنند که از آن در رژیم غذایی خود استفاده کنند.

کافئین در صبح به آن‌ها داده می‌شود. کافئین و سایر محرک‌ها می‌توانند شیدایی را تا حدی افزایش دهند.

در پایان این مرحله گزارش نهایی پزشکی قانون تهیه شده و به همراه متهم به نظام قضائی (حسب مورد دادگاه یا دادسرا) ارسال می‌گردد (لونگ^۱، ۲۰۲۰: ۱۵).

در این مرحله بازجوئی نهایی توسط مقام قضائی انجام شده و در خصوص اثر بیماری دوقطبی در خصوص جرم (زوال اختیار، قوه تمییز یا اراده و زمان ابتدا و انتهای آن) اظهارنظر صورت می‌گیرد. البته رسم بر این است که این بازجوئی یک بار توسط ضابطین و بار دوم توسط مقام قضائی انجام شود و سپس گزارش آن تهیه گردد (استرانگ^۲، ۲۰۲۰: ۳۲).

اگر مقام قضائی در دادسرا باشد، گزارش خود را به دادستان تحویل داده تا بر مبنای آن، قرار موقوفه تائید و یا کیفرخواست صادر شود. در صورتی که قاضی دادگاه متهم را به پزشکی قانونی ارجاع داده و سپس گزارش را دریافت کند، خود در این خصوص نظر خواهد داد (پفا^۳، ۲۰۲۰: ۲۱).

در صورت تائید زوال قوه تمییز و یا اراده در لحظه ارتکاب جرم؛ و یا زوال قوه تمییز در لحظه تصمیم‌گیری، به شرط اتصال آن به زمان ارتکاب جرم، رأی به برائت متهم صادر کرده و عملیات تحقیقی به پایان می‌رسد. در عین حال متهم برای درمان به آسایشگاه روانی منتقل خواهد شد. در صورتی که فقدان بیماری دوقطبی توسط پزشکی قانونی

-
1. Long
 2. Strange
 3. Pfau

اعلام شد، به مانند فرد سالم با وی رفتار شده و حکم مقتضی صادر خواهد شد (مکی^۱ و همکاران، ۲۰۲۲: ۳۳).

اما نکته قابل توجه این که اگر زوال اختیار در لحظه ارتکاب جرم، و یا لحظه تصمیم‌گیری متصل به ارتکاب، به اثبات برسد، عملیات دادرسی تا پایان ادامه یافته و تنها ضمن اعلام فقدان اختیار در لحظات مذکور، معافیت از مجازات اعلام شده و اقدامات درمانی برای مجرم لحاظ می‌گردد (جوکار و مقدادی، ۱۴۰۱: ۲۸۵). فرق این حالت با حالات پیشین آن است که عملیات اداری دادرسی تا پایان ادامه خواهد یافت.

۴- وجوه اشتراک و افتراق مورد مطالعه در ایران و کانادا

چنانچه بیان شد، در صورتی که مراحل دادرسی در پزشکی قانونی مطابق رویه مذکور انجام شود، گزارش پزشکی قانونی و سپس نظر مقام بازرگویی پس از آن حکم سند رسمی غیرقابل تعرض داشته و می‌تواند مبنای صدور حکم قرار گیرد. از نظر شکلی نمی‌توان به حکم صادره اعتراضی نمود و لذا حکم از پشتیبانی بالایی برخوردار است.

آئین دادرسی کیفری، قرار موقوفه تحقیق را تنها تحت شرایط خاص برای فرد مجنون پیش‌بینی کرده است. با توجه به عدم شناخت علمی بیماری دوقطبی در نظام قضائی کشور، امکان صدور قرار موقوفه تحقیق در این وضعیت وجود ندارد. در عین حال پزشکی قانونی نیز قادر به تشخیص قطعی این بیماری نبوده و حتی به فرض تشخیص، قطعیت کافی در خصوص وجود این بیماری در لحظه ارتکاب جرم وجود ندارد (طباطبائی موتمنی، ۱۳۹۷: ۴۴). هر چند که از نظر ماهوی، این افراد به سبب ارتکاب جرم قابل مجازات نیستند (استناد به ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی) اما از نظر اداری امکان احراز این وضعیت وجود نداشته و در عمل وجود این بیماری اثری بر جریان دادرسی نخواهد داشت.

1. Mackay

چنانچه مشخص است، نخستین تفاوت بین نظام اداری-قضائی کانادا با کشورمان در خصوص بیماران دوقطبی، وجود و رسمیت «تأسیس موانع تحقق جرم» است. در این وضعیت باراداری سنگینی بر نظام قضائی کشور وارد می‌گردد. دومین مورد، ایجاد رویه شناسایی آثار بیماری دوقطبی در لحظه ارتکاب جرم است. باوجود عرفی بودن نظام حقوقی کانادا، تنظیم آئین‌نامه این حوزه و رسمیت بخشی به آن در حکم سند رسمی غیرقابل انتظار بود که موجب رفع چالش‌های این حوزه در نظام قضائی کانادا شده است. در کشور ما باوجود نوشته بودن نظام حقوقی، و علی‌رغم نص صریح تبصره یکم ماده ۲۰۲ آئین دادرسی کیفری، هنوز آئین‌نامه‌ای در این خصوص تدوین نگردیده و درعین حال گزارش‌های پزشکی موجبات نقض حکم بدوی در جریان فرجام‌خواهی را فراهم می‌دارد که امری صحیح نمی‌باشد.

برآمد

در کشور کانادا، وکلای اداری و مدنی، تحت شرایط خاص قادر به پیگیری مسائل قضائی بوده و از این جهت، حمایت از مجرمین با سهولتی بیشتر انجام می‌گردد. در کشور ما تنها وکلای دادگستری به این قضیه ورود کرده که هم موجب سوءاستفاده‌هایی می‌گردد و هم از نظر اداری، موانعی در مسیر تبرئه متهم ایجاد می‌نماید. نیاز است که با تفکیک نوع وکالت، به وکلای مدنی نیز اجازه دفاع از بیماران دوقطبی را داد، چراکه با اطلاع از پیشینه‌ها و به سهولت بیشتر توان اثبات این مهم را دارند، امری که در کانادا مشهود است.

در هر دو نظام حقوقی ایران و کانادا، اختلال روانی در لحظه ارتکاب جرم، دلیلی بر رفع مسئولیت کیفری می‌باشد. در این خصوص اختلافی مشهود نیست. اما مسئله در معیار استناد می‌باشد که به سبب فقدان رویه اداری مشخص، موجب عدم استفاده صحیح از تبصره اول ماده ۲۰۲ آئین دادرسی کیفری شده، اما در کشور کانادا رویه اثبات آن به صراحت وجود دارد.

✓ مبتنی بر نتیجه تحقیق، به قوه محترم قضائیه پیشنهاد می‌گردد که پس از بررسی‌های علمی در خصوص اختلالات روانی منجر به جرم، آئین نامه شناخت آن را تهیه و به پزشکی قانونی ارسال دارد.

✓ مبتنی بر نتیجه تحقیق، به قوه محترم قضائیه پیشنهاد می‌شود که ضمن الگوبرداری از پزشکی قانونی کشور کانادا برای شناخت چهار نوع بیماری روانی مرتبط با جرم، امکانات مشابه را در کشور تهیه نماید.

✓ مبتنی بر نتیجه تحقیق، به قانون‌گذار کشور پیشنهاد می‌گردد که ضمن اصلاح آئین دادرسی کیفری، به تأسیس «موانع تحقق جرم» رسمیت بخشد.

- ✓ مبتنی بر نتیجه تحقیق، پیشنهاد می‌شود که ضمن اعلام نظر هیئت محترم دولت، یا دیوان عدالت اداری سند وکالت اداری تنظیم شده در واحد حقوقی سازمان مرتبط یا کانون دادگستری، به عنوان سند رسمی شناخته شود.
- ✓ مبتنی بر نتیجه تحقیق، پیشنهاد می‌شود که برای انجام امورات اداری توسط وکیل دادگستری شرط اختیارات ویژه اداری لحاظ گردد که به صورت عام اصول و چارچوب وکالت اداری را تعیین نماید.
- ✓ مبتنی بر نتیجه تحقیق، پیشنهاد می‌شود که اختیار دولت‌های محلی در رفع اختلافات اداری به مانند کشورهای نظیر فرانسه و لبنان افزایش یابد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف) منابع فارسی

- استواری، کورش؛ امامی، محمد؛ حقوق اداری، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۴۰۰.
- انصاری، علی؛ دهقانی، حسین؛ حُسن نیت در حقوق دادرسی، حقوق اداری، دوره ۴، ۱۳۹۶، صص ۱۰۹-۱۳۳.
- آقایی نیا، حسین؛ جرائم علیه اشخاص، تهران، میزان، جلد اول، ۱۳۹۵.
- آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۴.
- بابایی مهر، علی، حقوق اداری، تهران، مجد، چاپ اول، ۱۴۰۰.
- بیگلری، پویان؛ بررسی عنصر روانی جرم بین‌المللی نسل‌زدایی در فقه و حقوق، **پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**، دوره ۴، ۱۳۹۶، صص ۱-۳۰.
- پژوهی، پویا؛ شمس ناتری، محمدابراهیم؛ آثار تأسیس جدید موانع تحقق جرم بر تشریفات اداری-قضائی رسیدگی به جرائم، از دیدگاه حقوق اداری، **فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری**، دوره ۱۴۰۱، ۴، صص ۴۱-۶۰.
- جوکار، عبدالحسین؛ مقدادی، محمد مهدی؛ بررسی حقوق و تکالیف ثالث در مرحله اجرای احکام در محاکم عمومی و دیوان عدالت اداری؛ **فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری**، دوره چهارم، ۱۴۰۱، صص ۲۷۵-۳۰۰.
- خالقی، علی؛ رجب، محمد علی؛ تحلیل معیار نوعی در عنصر روانی جرم قتل عمدی (مطالعه تطبیقی)، **نشریه حقوق کیفری**، دوره ۴، ۱۳۹۲، صص ۱۲۱-۱۴۶.
- رستمیان، بیمن؛ حجاریان، محمد حسین؛ موذن زادگان، حسنعلی؛ بررسی سوءنیت در اقسام جنایت در فقه و حقوق ایران، **تحقیقات حقوقی بین‌المللی**، دوره ۱۲، ۱۳۹۸، صص ۹۳-۱۱۹.

- شیروی، مهسا؛ رستمیان، حنظله؛ بررسی نقش اراده در تحقق مسؤولیت کیفری در نظریات جرم‌شناختی و تأثیر آن بر مسؤولیت کیفری منحرفین جنسی، *مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی*، دوره ۵، ۱۳۹۰، صص ۴۳-۸۳.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۹۷.
- عسگری، محسن؛ حبیبی تبار، حسین؛ قیوم زاده، محمود؛ واکاوی چالش‌های اداری حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و راهکارهای اصلاح آن، *فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، دوره چهارم، ۱۴۰۱، صص ۱۳-۳۹.
- غلامی، نبی‌اله؛ عباسی، محمود؛ سلطانی کوهبنانی، سکینه؛ مفهوم جنون در قانون مجازات اسلامی؛ موضوعیت یا طریقت، *مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی*، دوره ۴۴، ۱۳۹۷، صص ۷۷-۹۴.
- قانون اساسی ایران مصوب ۱۳۵۸، بازنگری شده در سال ۱۳۶۸.
- قانون آئین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۴.
- قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری، مصوب ۱۳۷۳.
- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.
- قانون مدنی مصوب ۱۳۱۶، با آخرین اصلاحات.
- کیوانی‌فر، مژگان؛ بابائی‌مهر، علی؛ فروغی‌نیا، حسین؛ تفسیر قضایی قانون اساسی در پرتو اصول حاکم بر حقوق اداری با تأکید بر رویه دیوان عدالت اداری، *حقوق اداری*، دوره نهم، ۱۴۰۰، صص ۳۵-۵۲.
- محمدحسینی، شاپور؛ المیر، محمود؛ اشرافی، محمد؛ حیدری، مسعود؛ جایگاه علم به قانون در رابطه با ارکان جرم، *تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، دوره ۱۱، ۱۳۹۷، صص ۲۸-۵۳.
- محمدی، حمید؛ مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر در حقوق کیفری ایران و مصر، تهران، گنج دانش، جلد اول، ۱۳۹۵.

موسی زاده، رضا، حقوق اداری ۱ و ۲ (کلیات و ایران)، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۹۸.
نوبهار، رحیم؛ خط شب، محمدرضا؛ اراده آزاد به مثابه رکن مسؤولیت کیفری در جدال
سازگارنگاری و ناسازگارنگاری، *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم شناسی*، دوره
۵، ۱۳۹۶، صص ۸۷-۱۱۳.

یاوری، اسدالله؛ مهرآرام، پرهام؛ تفسیر قضایی در حقوق عمومی، *مجله حقوقی*
دادگستری، دوره ۸۲، ۱۳۹۷، صص ۲۶۳-۲۸۸.

ب) منابع انگلیسی

- Bermingham, P. Criminal lunacy and colonial discourse in Ireland, 1833-1916. Nottingham Trent University (United Kingdom).2021.
- Biju, B., & Shrivastava, S. Plea of Insanity as a Defence. *Supremo Amicus*, 15, 81. 2020.
- Boyer, A., & Nicholls, M. The Rise and Fall of Treason in English History. *Taylor & Francis*.2024.
- Clough, A., & Reed, A. Loss of Control—Domestic and Comparative Perspectives. *The Journal of Criminal Law*, 87(2), 2023, P 73-74.
- Diaz, E. R. The Hypocrisy Behind Oscar Wilde’s Conviction: A Tale of British Victorian Secrecy. *The Boller Review*, 5. 2020.
- FE Almond, M., L. Nicholls, T., L. Petersen, K., C. Seto, M., & G. Crocker, A. Exploring the nature and prevalence of targeted violence perpetrated by persons found not criminally responsible on account of mental disorder. *Behavioral Sciences & the Law*, 2023,41(2-3), 124-140.
- Gatner, D. T., Douglas, K. S., Almond, M. F., Hart, S. D., & Kropp, P. R. How much does that cost? Examining the economic costs of crime in North America attributable to people with psychopathic personality disorder. *Personality Disorders: Theory, Research,*

- and Treatment*, 2023, 14(4), 391.
- GERSHENGOREN, Rachel. *Benefits of Using Collaborative Law-
yering Outside of Family Law Dispute*. 2022.
- Grajzl, P., & Murrell, P. A machine-learning history of English caselaw
and legal ideas prior to the Industrial Revolution I: generating
and interpreting the estimates. *Journal of Institutional Eco-
nomics*, 17(1), 2021, P 1-19.
- Hartvigsson, T. Between punishment and care: autonomous offend-
ers who commit crimes under the influence of mental disorder.
Criminal Law and Philosophy, 2023, 17(1), 111-134.
- HEAVIN, Heather; KEET, Michaela. Client-Centered Communication:
How Effective Lawyering Requires Emotional Intelligence,
Active Listening, and Client Choice. *Cardozo J. Conflict Re-
sol.*, 2020, 22: 199.
- HERNANDEZ, Julia. Lawyering Close to Home. *Clinical L. Rev.* 27:
131.2020.
- Holness, W. Hate crime based on disability in South Africa. Lessons for
law reform. *SA Crime Quarterly*, (70), 2021 P 2-11.
- Hopson, J. Malevolent, Mad or Merely Human: *Representations of
the'Psy'Professional in English, American and Irish Fiction*.
University of Exeter (United Kingdom). 2020.
- Jafari, F., & Saheb Bayati, S. Legislator's criminal thought regarding
patients with mental disorders on the new Bill of the protection
of the rights of people with mental disorders. *Journal of Criminal
Law and Criminology*, 2024, 11(22), 223-252.
- Jones, D. A. From the Crime of Abortion to the Crime of Expressing
Opposition to Abortion: Abortion Law in the UK. *Zeitschrift für
medizinische Ethik*, 69(2), 2023, P 243-249.
- Jones, D. W. Psychosocial Studies and Psychiatry: An Awkward
History. *In The Palgrave Handbook of Psychosocial Studies*
(pp. 1-22). Cham: Springer International Publishing. 2022.

- Kamali, E. P. The Audacity of Judging Mind in Medieval England. *Journal of Medieval and Early Modern Studies*, 53(3), 2023, P 493-518.
- Kayll, J. L. A. *A Plea for the Criminal. BoD-Books on Demand*. 2020.
- LADO, Marianne Engelman; RUMELT, Kenneth. Pipeline Struggles: Case Studies in Ground up Lawyering. *Harv. Envtl. L. Rev.*, 2021, 45: 377.
- Long, W. F. Dickens and McNaughton: Insanity and the Punishment of Death. *The Dickensian*, 116(510), 2020, P 37-4.
- Mackay, R., Mackay, R. D., & Brookbanks, W. (Eds.). *The Insanity Defence: International and Comparative Perspectives*. Oxford University Press. 2023.
- Marinos, V., Whittingham, L., Jones, J., & Schneider, R. D. *Forensic Neurodevelopmental Disabilities: A Perspective from Ontario, Canada on Pathways and Services. Forensic Aspects of Neurodevelopmental Disorders: A Clinician's Guide*, 2023, 265.
- MARTIN, Andrew Flavelle. *Orphans No More: A Review of Elizabeth Sanderson, Government Lawyering: Duties and Ethical Challenges of Government Lawyers*. 2018.
- McLaughlin, J., Elsey, J., Kipping, R., Owen-Smith, A., Judge, A., & McLeod, H. Access to hip and knee arthroplasty in England: commissioners' policies for body mass index and smoking status and implications for integrated care systems. *BMC Health Services Research*, 23(1), 2023, P 1-10.
- Mehmood, M. I., Qayum, S., & Rahman, A. U. The Interpersonal Tolerance Scale (IPTs): Scale Development and Validation Critical Analysis of Criminal Responsibility and legal Capacity of the Mentally ill Patient in Pakistan. *Pakistan Journal of Criminology*, 13(4). 2021.

- Mullally, K., McLachlan, K., Jewell, E., Viljoen, J., & Rudin, J. Fetal alcohol spectrum disorder evidence in Canadian criminal cases: A case law review. *Psychology, Public Policy, and Law*. 2023.
- Naeem, M. A., Mukhtar, H., & Saqib, K. M. *Defence of Insanity: Its Scope and Application in*. 2021.
- PARMAR, Pooja. Reconciliation and Ethical Lawyering: Some Thoughts on Cultural Competence. *Can. B. Rev.* 2019, 97: 526.
- Perrin, B. *Indictment: The criminal justice system on trial*. University of Toronto Press. 2023.
- Pfau, A. N. *Medieval communities and the mad: Narratives of crime and mental illness in late medieval France* (p. 240). Amsterdam University Press. 2020.
- Ricciardelli, R., Taillieu, T. L., McElheran, M., Cramm, H., Ajith, H., Johnston, M. S., & Carleton, R. N.. Sleep quality and mental disorder symptoms among correctional workers in Ontario, *Canada. Scientific Reports*, 2024, 14(1), 14963.
- SALYZYN, Amy; SIMONS, Penelope. Professional responsibility and the defence of extractive corporations in transnational human rights and environmental litigation in Canadian courts. *Legal Ethics* 2021, 24.1: 24-48.
- SCHWÖBEL-PATEL, Christine. (2019). *Populism, international law and the end of keep calm and carry on lawyering*. In: Netherlands Yearbook of International Law 2018. TMC Asser Press, The Hague, 2019, p. 97-121.
- Simpson, A. I., Tran, J., & Jones, R. M. Ethical considerations regarding mental disorder and medical assistance in dying (MAiD) in the prison population. *Medicine, Science and the Law*, 2023, 63(1), 3-5.
- SMYTH, Gemma; JOHNSTONE, Dušty; ROGIN, Jillian. ., Trauma-Informed Lawyering In The Student Legal Clinic Setting: Increasing Competence In Trauma Informed Practice. *Int'l J. Clinical*

Legal Educ, 2021, 28: 149.

Strange, C. *Death Penalty and Sex Murder in Canadian History*.
University of Toronto Press.2020.

Thomas, K. E. *Broadmoor Women: Tales from Britain's First
Criminal Lunatic Asylum*. Pen and Sword History. 2022.

Whitehead, R. *Deadly Discrimination: Police-Involved Deaths and
Mental Health Disability in Canada (Doctoral dissertation,
Université d'Ottawa/University of Ottawa)*. 2023.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی